

## جنايات فکری بنی امیه

حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی \*

قال الله تعالى: « أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ »<sup>۱</sup>

### مقدمه

در دوران حکومت ۹۰ ساله امویان، ۱۴ تن حکومت کردند. واقعه عاشورا، واقعه حره، قیام زبیریان، قیام مختار، قیام زید بن علی علیه السلام، جنگ مرج راهط و قیام بنی عباس، از وقایع مهم دوران خلافت بنی امیه است. حکومت امویان دارای شاخصه‌هایی همچون تبدیل نظام خلافت به نظام استبدادی موروثی، برخورد تبعیض آمیز با غیر عرب و موالی، بی عدالتی و ستم بر رعیت به‌ویژه مخالفان، قداست بخشیدن به خلیفه و دستگاه خلافت، تقویت و ترویج جبرگرایی و حمایت از مرجئه بود. آثار مخرب اعتقادی و دینی فراوانی که تا امروز از بنی امیه به جای مانده است، نشأت گرفته از همین شاخصه‌هاست. عمرو بن سعید می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه «الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا» پرسیدم. فرمود: «شما در مورد آن چه می‌گویید؟». گفتم: «ما معتقدیم که آن‌ها دو قبیله نابکار قریش، بنی امیه و بنی مغیره هستند». فرمود: «آری! تمام، قریشی هستند. خداوند پیامبرش را مخاطب قرار داد و فرمود: من قریش را بر عرب فضیلت داده و نعمت خود را بر آن‌ها ارزانی داشتم و پیامبرم را میان آن‌ها مبعوث کردم، ولی آن‌ها نعمت مرا [به کفر] تبدیل و پیامبرم را تکذیب کردند».<sup>۲</sup> در این مجال به برخی جنايات فکری بنی امیه می‌پردازیم.

\* دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم.

۱. ابراهیم: ۲۸: «آیا ندیدی حال مردمی را که نعمت خدا را به کفر مبدل ساختند و (خود و) قوم خود را به دیار

هلاکت رهسپار کردند؟».

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۱۸.

## ۱. ترویج جبرگرایی

متأسفانه سابقه اعتقاد به جبر در اسلام، به عهد رسول خدا ﷺ باز می‌گردد؛ هنگامی که برخی یاران نزدیک پیامبر ﷺ برای اینکه فرار کردن از جنگ و تنها گذاشتن رسول خدا ﷺ، موجب نابودی موقعیت اجتماعی‌شان نشود، از حربه «جبر» استفاده کردند و گناه کبیره فرار از جهاد را به خداوند نسبت دادند. بخاری، محدث معروف و مورد اعتماد اهل تسنن، جریان شگفت‌انگیزی را از ابوقتاده نقل می‌کند:

در روز جنگ حنین، مسلمانان جز تعداد اندکی پا به فرار گذاشتند و از اطراف پیامبر ﷺ پراکنده شدند. من نیز میان فراریان بودم که ناگاه به یکی از یاران نزدیک رسول خدا ﷺ برخورد کردم که او نیز میان مردم فراری بود. گفتم: مردم را چه شده که این‌گونه شدند و حجت خدا را رها کردند؟ در پاسخ گفت: امر الله.<sup>۱</sup>

یعنی آنان معتقد بودند خواست خداوند بود که مردم بی‌وفا شدند و دست از حمایت از اسلام و پیامبر خدا ﷺ برداشتند. آن‌گاه که شجره خبیثه و ملعونه بنی‌امیه، خلافت را به پادشاهی تبدیل و با تمام قدرت نابودی اسلام را و وجهه همت خود کردند، همان اعتقاد سابق را نشر و ترویج دادند.

### ۱/۱. نمونه‌هایی از تلاش بنی‌امیه برای ترویج جبر

صفحات تاریخ نمونه‌های متعددی از تلاش سردمداران بنی‌امیه برای اشاعه جبرگرایی در میان توده‌های مردم را روایت می‌کند. برای مثال معاویه در پاسخ به اعتراض برخی افراد به جانشینی یزید، قضای الهی را مطرح کرد و آن را به خدا نسبت داد.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از اسناد ترویج جبرگرایی توسط بنی‌امیه، نسبت دادن قتل سیدالشهداء علیه السلام و یارانش به خداوند توسط عبیدالله و یزید است. در روایتی از امام صادق علیه السلام در این باره آمده است:

هنگامی که علی بن حسین علیه السلام بر یزید وارد شد، یزید نگاهی به آن حضرت کرد و خطاب به ایشان این آیه را خواند: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ»<sup>۳</sup> هر مصیبتی که به شما می‌رسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید». امام سجاد علیه السلام تأکید کرد که این آیه شامل ما نمی‌شود و این آیات را تلاوت فرمود: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ \* لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ص ۱۰۵۲؛ محمد بن عمر واقدی، کتاب المغازی، ج ۳، ص ۹۰۴.

۲. عبدالله بن مسلم ابن قتیبه دینوری، الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۲۰۵.

۳. شوری: ۳۰.

أَنَاكُمْ؛ هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد، مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم، در لوح محفوظ ثبت است و این امر برای خدا آسان است. این به خاطر آن است که برای آنچه از دست داده‌اید، تأسف نخورید و به آنچه به شما داده است، دل بسته و شادمان نباشید». زین العابدین علیه السلام پس از تلاوت این آیات فرمود: «فَسَخَّنُ الَّذِينَ لَا نَأْسَىٰ عَلَىٰ مَا فَاتَنَا وَلَا نَفْرَحُ بِمَا أُوتِينَا؛<sup>۲</sup> ما اهل بیت، همان کسانی هستیم که بر آنچه از دست داده‌ایم، تأسف نمی‌خوریم و برای داشته‌هایمان نیز شادمان نمی‌شویم».

جریان دیگر نقل شده توسط مفسران اهل تسنن، شاهد روشنی بر تلاش معاویه برای انحراف فکری مردم و اعتقاد به جبر است. نقل شده است روزی معاویه به اطرافیان خود گفت: «آیا شما به قرآن ایمان ندارید و آن را حق نمی‌پندارید؟». گفتند: «بله، ایمان داریم». گفت: «آیا به آیه "وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ؛<sup>۳</sup> و خزائن همه چیز تنها نزد ماست، ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم" ایمان ندارید و آن را حق نمی‌دانید؟». گفتند: «بله، ایمان داریم». گفت: «پس چرا مرا ملامت می‌کنید که اموال مردم را به خود اختصاص داده‌ای؟!». در این هنگام احنف برخاست و در جوابش گفت: «ای معاویه! به خدا سوگند ما تو را بر خزائن خدا ملامت نمی‌کنیم؛ بلکه ملامت می‌کنیم که چرا بعد از آنکه خداوند ارزاق خلق را از خزائنش نازل کرد، تو در خزائن خودت قرار دادی و در خزائن را به روی خلق بستی؟!». معاویه از شنیدن این جواب ساکت شد و جوابی برای گفتن نداشت.<sup>۴</sup>

بر درخت جبر تا کی برجهی  
اختیار خویش را یک سو نهی  
همچو آن ابلیس و ذریات او  
با خدا در جنگ و اندر گفتگو<sup>۵</sup>

## ۱/۲. پیامدهای جبرگرایی

متأسفانه هنوز هم عده‌ای چنین می‌پندارند که انجام گناهان و سرپیچی از قوانین، از حیثه اختیار انسان خارج است و جبر و اراده الهی سبب بروز جرم‌های بشر می‌شود. این ادعا از سوی کسانی که با زبان ادعای دینداری و اعتقاد به خدا و قیامت دارند، مطرح شده است. این افراد برای پایدار

۱. حدید: ۲۲ و ۲۳.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۷۷.

۳. حجر: ۲۱.

۴. عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الدر المشور، ج ۴، ص ۹۶.

۵. جلال‌الدین محمد مولوی بلخی، مثنوی معنوی، دفتر ۴، بیت ۱۳۹۴.

بودن موقعیت اجتماعی خود در میان مردم و نیز دور شدن از عذاب وجدان، به این سراب توسل جسته‌اند و در پی راهی برای فریفتن مردم و خود هستند. این در حالی است که جبرگرایی، آثار منفی اعتقادی و اجتماعی بسیاری را در پی دارد که دو مورد از آن‌ها بیان می‌شود.

#### الف. تداوم رفتارهای ناصحیح

از آنجا که انسان جبرگرا رابطه سبب و مسببی میان رفتار خود و سعادت یا شقاوت آتی خود را انکار می‌کند، هرگز به فکر اصلاح رفتار خود نیست و نه تنها به رفتارهای اشتباه خود ادامه می‌دهد؛ بلکه عذاب وجدان نیز نخواهد داشت و با خیالی آسوده کردارهای گذشته را تکرار می‌کند.

#### ب. کمک به گسترش ظلم

حاکمان ستمگر بیشتر از جبرگرایان، از جبرگرایی آنان سوءاستفاده می‌کنند. اعتقاد به جبر موجب رضایت به اعمال ضدانسانی ستمگران می‌شود و سکوت در برابر ظلم و جور را به دنبال دارد؛ چنانکه در کتب تاریخی اهل تسنن آمده است:

وقتی یزید بن عبدالملک پس از عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید تا چهل روز به روش او عمل می‌کرد.<sup>۱</sup> اطرافیان او برای اینکه راحت‌تر بتوانند به عیش و نوش خود پردازند، چهل پیرمرد را که اصحاب پیامبر ﷺ را درک کرده بودند، نزد او بردند و آنان نیز شهادت دادند که بر خلیفه هیچ حساب و عقابی نیست.<sup>۲</sup> به قول سعدی:

گر خود همه عیب‌ها بدین بنده در است هر عیب که سلطان بپسندد، هنر است

این در حالی است که دلایل عقلی و نقلی بر نفی جبرگرایی، بسیار زیاد است. قرآن مجید در آیات بسیاری بر آزادی و اختیار انسان تأکید کرده است؛ از جمله در آیات متعددی انسان را در پذیرش و عدم پذیرش هدایت الهی مختار دانسته است: «قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ»

۱. عمر بن عبدالعزیز بن مروان بن حکم، هشتمین خلیفه اموی بود که پس از دو سال خلافت و در ۳۹ سالگی (۲۵ رجب ۱۰۱ ق) در شام به مرگ طبیعی یا مسمومیت از طرف بنی‌امیه از دنیا رفت. او نسبت به دیگر خلفای اموی، قابل تمجید است. ابن‌اثیر جزیری در الکامل، ج ۵، ص ۶۲ از امام باقر علیه السلام چنین نقل نموده است: «إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ نَجِيَّةً وَ إِنَّ نَجِيَّةَ بَنِي أُمَيَّةِ عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، وَ إِنَّهُ بِيَعْتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةٌ وَ حُدَّةٌ؛ هَرُ قَوْمِي دَارِي شَخْصِي نَجِيْبٌ اسْتِ وَ نَجِيْبُ بَنِي أُمَيَّةِ، عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ مِي بَاشِدُ؛ وَ رَوْزُ قِيَامَتِ بِي تَنْهَائِي (جدای از بنی‌امیه) محشور می‌شود». سید بن طاووس در کتاب «التشريف بالمتن في التعريف بالفتن» ص ۲۴۱، از او تمجید کرده است.

۲. محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۷، ص ۲۸۰: «ما علی الخلفاء حساب ولا عذاب».

وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ<sup>۱</sup>؛ بگو این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می خواهد، ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود) و هر کس می خواهد، کافر شود<sup>۲</sup>.

## ۲. ترویج امید کاذب

امید باید بر پایه حقیقت استوار باشد. مؤمنان حقیقی همواره به خداوند امیدوارند و چون به او ایمان و امید دارند، می کوشند با انجام اعمال شایسته خود را به اهداف متعالی برسانند: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا<sup>۳</sup>؛ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد».

ترویج جبرگرایی، تنها جنایت بنی امیه نبود. آنان در جنایتی دیگر به ترویج «ارجاء» یا همان امیدواری کاذب که باز هم نتیجه‌ای جز اباحی‌گری و عادی‌سازی معصیت الهی در پی نداشت، پرداختند. احتمالاً بنی امیه این دو شیوه، یعنی «جبر» و «ارجاء» را با توجه به نوع مخاطبین خود به کار می گرفتند. گروهی را با شیوه نخستین و برخی را با حربه دوم، نسبت به گناه تشویق می نمودند.

## ۲/۱. نمونه‌هایی از تلاش بنی امیه برای ترویج امید کاذب

ابن ابی الحدید درباره این مسئله از اسکافی چنین نقل کرده است:  
نخستین کسانی که به ارجاء محض قائل شدند، معاویه و عمرو بن عاص بودند؛ زیرا معتقد بودند که با وجود ایمان، معصیت ضرری نخواهد داشت. از این رو وقتی به معاویه گفته شد: «تو با کسی جنگیدی (علی عليه السلام) که او را کاملاً می شناختی و مرتکب کاری شدی (جنگ با علی عليه السلام) که گناه بودنش را می دانستی»، در جواب گفت: «به قول خدای تعالی اعتماد داشتم که می گوید: إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا<sup>۴</sup>؛ به درستی که خداوند همه گناهان را می آمرزد».  
بی تردید امید کاذب به رحمت الهی، یکی از مهم‌ترین عوامل گناه و معصیت است. شعری از حافظ نیز - اگر ظاهرش مراد حافظ بوده باشد - در همین مسیر غلط است:

۱. کهف: ۲۹.

۲. برای شناخت دیدگاه شیعه درباره جبر و اختیار به کتاب‌های کلامی مانند «کشف المراد» علامه حلی و «آموزش عقاید» استاد مصباح یزدی مراجعه شود.

۳. کهف: ۱۱۰.

۴. زمر: ۵۳؛ عبدالحمید بن هبه‌الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۲۵.

می‌خور به بانگ چنگ<sup>۱</sup> و مخور غصه، و ر کسی

گوید تو را که «باده مخور»، گو «هو الغفور»

یکی دیگر از اشعار قابل نقد این شاعر نامی، این بیت است:

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در طریقت ما، غیر از این گناهی نیست

این در حالی است که منطق اسلام، توأم بودن امید و ترس است تا مانند ترازو همدیگر را تعدیل کنند؛ چنانکه خداوند خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ \* وَ أَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ»<sup>۲</sup> بندگانم را آگاه کن که من بخشنده مهربانم و (اینکه) عذاب و کیفر من، همان عذاب دردناک است».

اگر چه طرفداران مکتب ارجاء که به مرجئه شهرت دارند، از فرقه‌های کلامی اهل سنت محسوب می‌شوند؛ ولی گاهی در میان مدعیان تشیع نیز رگه‌هایی از این مسیر خطرناک دیده می‌شود.

استدلال زیبای امام صادق علیه السلام

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به ایشان عرض کرد: «مرجئه این‌گونه استدلال می‌کنند و می‌گویند همان‌طور که هر کس نزد ما کافر است، نزد خدا نیز کافر است؛ کسی که نزد ما مؤمن است، نزد خداوند نیز مؤمن خواهد بود». امام صادق علیه السلام فرمود: «سبحان الله! چگونه این دو یکسانند؛ در حالی که کفر، اقرار عبد علیه خودش است و با وجود اقرار، بینه و شاهد لازم نیست؛ ولی ایمان، یک ادعاست و اثبات آن نیاز به شاهد دارد و آن شاهد عبارت است از «عقیده» و «عمل». پس هرگاه این دو (ادعای ایمان و عمل) هماهنگ باشد، مدعای او ثابت می‌شود و احکام ظاهری بر آن مترتب می‌گردد. البته ممکن است افرادی مانند منافقان در ظاهر اظهار ایمان کنند، ولی نزد خداوند مؤمن نباشند»<sup>۳</sup>.

## ۲/۲. پیامدهای امید کاذب

این انحراف اعتقادی، همان پیامدهای سوء جبرگرایی یعنی تلاش نکردن برای اصلاح و کمک به ظالمان را به دنبال دارد. ماجرای که در ابتدای همین بحث از معاویه نقل شد، شاهد این

۱. چنگ نوعی ساز برای نواختن موسیقی است.

۲. حجر: ۴۹ و ۵۰.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰.

ادعاست. از این رو درباره اعتقادات مرجئه نوشته‌اند: «آنان بر این باور بودند که اگر امام یا خلیفه مرتکب کبیره شود، از ایمان خارج نیست و هم‌چنان واجب الإطاعه است و می‌توان در نماز به او اقتدا کرد»<sup>۱</sup>.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز ضمن تأکید بر مجازات بی‌پروایی در گناه کردن، به نقش «رجای کاذب» در راحت گناه کردن اشاره شده است:

إِنَّ قَوْمًا أَذْنَبُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَأَشْفَقُوا مِنْهَا وَ خَافُوا خَوْفًا شَدِيدًا وَ جَاءَ آخَرُونَ فَقَالُوا ذُنُوبَكُمْ عَلَيْنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ ثُمَّ قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَافُونِي وَ اجْتَرَأْتُمْ؛<sup>۲</sup> قومی گناهان زیادی مرتکب شدند و از این گناهان خود نگران و به شدت خوفناک بودند تا اینکه قوم دیگر آمدند و گفتند: گناهان شما به گردن ما، و خداوند عذاب خود را بر آن‌ها (قوم دوم) نازل کرد و فرمود: قوم اول از من ترسیدند، اما شما جسارت کردید.

### ۳. حلال کردن ربا

از دیگر جنايات فکری بنی امیه، حلال دانستن ربا به صورت رسمی توسط معاویه بود. علامه امینی رحمته الله ضمن برشمردن بدعت‌های معاویه، حلال دانستن ربا توسط او را گزارش کرده و نوشته است:

معاویه، نخستین کسی است که ربا را حلال دانست و آن را خورد؛ در حالی که خداوند می‌فرماید: «کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) برنمی‌خیزند، مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده است». همچنین کسی که ربا می‌خورد و کسی که وکیل در رباست، توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ملعون شمرده شده‌اند.<sup>۳</sup>

نقل شده است:

روزی معاویه پیمان‌های از طلا یا نقره را به بیش از ارزش واقعی آن فروخت. ابودرداء به او گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که از چنین معامله‌ای نهی می‌کرد. معاویه با تکبری شگفت‌انگیز در

۱. محمدجواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۴۰۳.

۲. محمد بن علی صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۴۱.

۳. عبدالحسین امینی، الغدير، ج ۱۱، ص ۹۲: «أول من أحلّ الربا وأكله؟! وأحلّ الله البيع وحرم الربا، الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ، أَكَلَ الرِّبَا وَ مَوَكَّلَهُ مَلْعُونٌ بِلِسَانِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ».

برابر حدیث رسول خدا ﷺ ایستاد و گفت: «اما من، در این معامله اشکالی نمی بینم!»<sup>۱</sup>. پیشرو کسانی که اهل ربا دادن و ربا گرفتن هستند، معاویه و بنی امیه هستند و این طرز تفکر می تواند در برابر حکم خدا و رسول خدا ﷺ بایستد. این افراد توسط خدا لعنت شده اند؛ چنانکه در روایتی که امیرمؤمنان علیؑ از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده، آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَعَنَ آكِلَ الرِّبَا وَ مُؤَكِّلَهُ وَ كَاتِبَهُ وَ شَاهِدِيَهُ»<sup>۲</sup> خداوند رباخورنده و وکیل و نویسنده و شاهدان ربا را لعنت کرده است».

خداوند درباره ربا فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده است، رها کنید؛ اگر ایمان دارید»<sup>۳</sup>. این آیه شریفه با کلمه «آمَنُوا» و «اتَّقُوا» شروع و با ایمان نیز ختم شده است که حاکی از این است که رباخواری، هرگز با ادعای ایمان و تقوا سازگار نیست. متأسفانه امروزه برخی دچار مرض مهلك رباخواری شده اند که باید هرچه زودتر خود را از این آتش غضب الهی برهانند.

ربا خواری از نردبانی فتاد	شنیدم هم اندر زمان جان بداد
پسر چند روزی گریستن گرفت	دگر با حریفان نشستن گرفت
به خواب اندرش دید و پرسید حال	که چون رستی از حشر و نشر سوال
بگفت ای پسر قصه بر من مخوان	به دوزخ در افتادم از نردبان

### فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، ۱۳۸۵ق، الكامل فی التاریخ، چاپ اول، بیروت: دار صادر.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۱۶ق، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، چاپ اول، قم: مؤسسه صاحب الامر.

۱. احمد بن حسین بیهقی، السنن الكبرى، ج ۵، ص ۲۸۰.  
 ۲. محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸.  
 ۳. بقرة: ۲۷۸.



٤. ابن قتيبه دينورى، عبدالله بن مسلم، ١٤١٠ق، الإمامة و السياسة، چاپ اول، بيروت: دار الأضواء.
٥. امينى، عبدالحسين، ١٤١٦ق، الغدير، چاپ اول، قم: مركز الغدير.
٦. بخارى، محمد بن اسماعيل، ١٤٢٥ق، صحيح البخارى، چاپ اول، بيروت: دارالفكر.
٧. بلخى مولوى، جلال الدين محمد، ديوان شمس، قم: انتشارات آستان مهر، ١٣٨٩ش.
٨. بيهقى، احمد بن حسين، ١٤٢٤ق، السنن الكبرى، چاپ اول، بيروت: دارالكتب العلمية.
٩. ذهبى، محمد بن احمد، ١٤١٣ق، تاريخ الإسلام و وفیات المشاهير و الأعلام؛ بيروت: دار الكتاب العربى.
١٠. سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، ١٤٠٤ق، الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، چاپ اول، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى.
١١. صدوق، محمد بن على، ١٤١٣ق، من لا يحضره الفقيه، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
١٢. \_\_\_\_\_، ١٤٠٦ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: الشريف الرضى.
١٣. قمى، على بن ابراهيم، تفسير قمى، چاپ چهارم، قم: دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٧ش.
١٤. كلينى، محمد بن يعقوب، ١٤٠٧ق، كافي (اصول، فروع، روضه)، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامية.
١٥. مجلسى، محمدباقر، بحارالانوار، بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
١٦. مشكور، محمدجواد، ١٣٧٥ش، فرهنگ فرق اسلامى، مشهد، آستان قدس رضوى.
١٧. واقدى، محمد بن عمر، كتاب المغازى، چاپ سوم، بيروت: اعلمى، ١٤٠٩ق.

